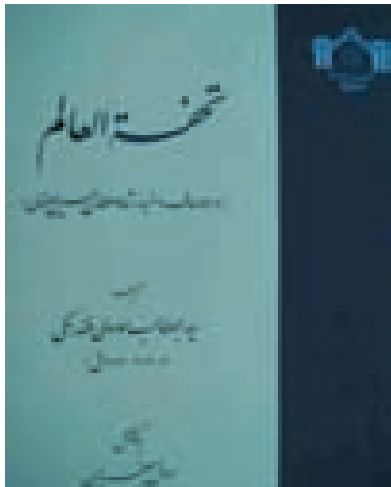




غرب از دیدگاه سفرنامه‌نویسان ایرانی



سازنده تکنولوژی و پیشرفت‌های غربی صورت نگرفت. نمونه واضح برخی خود باختگی‌ها در برابر غرب و تقلید کورکورانه از آن را که امکان هرگونه خلاقیت نقادانه برای تعامل سازنده با فرهنگ و تمدن غرب را از جامعه ایرانی سلب می‌کرد می‌توان در پاره‌ای از علاقه‌مندی‌ها و دبستگی‌های میرزا ابوالحسن خان ایلیچی دید. ایلیچی با توصیف و ستایش از زیبایی زنان انگلیسی و آزادی‌های جنسی در انگلستان، از خدا آرزو می‌کند که ای کاش زنان ایرانی نیز مانند زنان انگلیسی شوند. ایلیچی صفحات فراوانی از سفرنامه خود را با توصیف خوشگذرانی‌ها و عشق بازی‌ها و زینبارگی‌های خود در انگلیس سیاه کرده است.^۱

این انتقاد دکتر عبدالهادی حائری کاملاً درست به نظر می‌رسد که: «بدینسان ایلیچی در آغازین روزگار اوج دورویه تمدن بورژوازی غرب آرویه کارشناسی و دانش و رویه استعماری^۲ به انگلیس رفت و ویژگی‌های آن کشور را از نزدیک از دیده گذرانید. باید اذعان کرد که نامبرده آگاهی‌هایی بسیار در زمینه دانش و کارشناسی و نوگرایی و یافته‌های نوین غرب به دست آورد و برای فارسی‌زبانان به شیوه‌ای گویا بازگو کرد. ولی از سوی دیگر، وی رویه استعماری تمدن بورژوازی غرب را در توت‌فراموشی افکند و از کنار جنبه‌هایی از رویه دانش و کارشناسی و پیشرفت‌های نوین انگلیس با ساده‌نگری گذشت و نسبت به بسیاری از ویژگی‌های منفی تمدن غرب گرایش سخت هواخواهانه نشان داد و در حقیقت تقلیدی کورکورانه از غرب را توصیه کرد.

روشن است که آگاهی‌های نوینی که ایلیچی در اختیار مخاطبان خود گذاشت برای آنان سودمند بوده، ولی در مجموع آموزش‌های درست مورد نیاز آن روزگار را در اختیار ایرانیان نگذاشت و تمدن دورویه بورژوازی غرب را به شیوه‌ای همه‌سویه نشانسانید و از آن هم بدتر بدآموزی‌هایی فراوان در نوشته‌های خویش گنجانید. شاید به آسانی بتوان یکی از ریشه‌های غریب‌زدگی سده بیستم ایران را در همین گونه از بدآموزی‌ها جست و جو کرد.^{۱۱}

منابع:

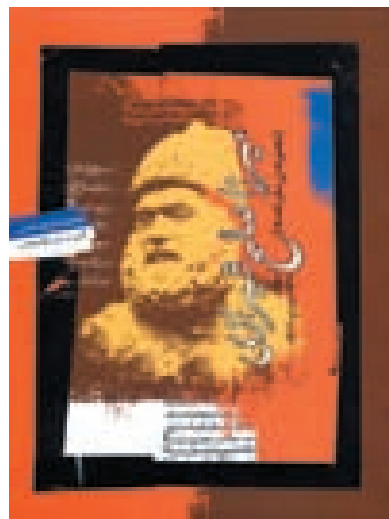
- ۱- عبدالطیلف شوشتری جزایری. تحفة العالم، حیدرآباد، هندوستان، ۱۲۹۴ ق، ص ۲۸۴ تا ۳۵۱.
- ۲- همان، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.
- ۳- میرزا ابوالحسن ایلیچی. حیرت‌نامه سفر، نسخه خطی آنسخه موجود در کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی در تهران، شماره ۹۹۲۱، ص ۶۵، ۸۴، ۸۵، ۹۰، ۹۲ تا ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۴۷ تا ۱۴۹، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۲۰ تا ۲۲۲، ۲۶۱ تا ۲۶۴، ۳۳۱ تا ۳۳۳ و ۳۳۶.
- ۴- همان، ص ۳۳۲ و ۳۳۱.
- ۵- ابوالفتح حسینی الحسینی «سلطان الواعظین». سفرنامه و سیاحتنامه سلطان الواعظین در هند، نسخه خطی، ۱۲۳۱ ق، ص ۱۶۰ تا ۲۲۱، ۲۰۵ تا ۲۲۲، ۲۲۴.
- ۶- همان، ص ۲۲۵ و ۲۲۶.
- ۷- آقااحمدبن محمدعلی بهبهانی. مرآت الاحوال جهان‌نما (مجلد کامل، جلد ۱ و ۲) با مقدمه و تصحیح و حواشی علی‌الدوایی، چاپ اول، انتشارات مرکز فرهنگی قیله، ۱۳۷۲، ص ۴۵۳ تا ۵۱۵ و صفحات دیگر.
- ۸- ر.ک. میرزا صالح شیرازی. مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران، ۱۳۶۴ خورشیدی.
- ۹- زین‌العابدین شیروانی. حدائق السیاحه، با مقدمه سلطان حسین تابنده گنابادی رضاعلیشاه، تهران [ای.ا.ا.] ۱۳۴۸، ص ۴۳۸، ۴۴۹ و ۵۳۸. نیز: زین‌العابدین شیروانی، بستان السیاحه، ۱۳۴۸، [ای.ا.ا.]، [ای.ا.ا.]، ص ۱۶۲.
- ۱۰- میرزا ابوالحسن ایلیچی. همان، ص ۱۲۸، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۶، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۱۲ تا ۲۱۵، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۷، ۳۰۳، ۳۱۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۲ و ۳۵۳.
- ۱۱- دکتر عبدالهادی حائری. نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲، ص ۲۹۰.

غرب است. به نوشته او: در حالی که بیشتر کشورهای جهان در عقب‌ماندگی بسر می‌برند، «در بعضی بلاد فرنگ مانند انگلستان و دیگر اماکن که در قوانین سلطنت و مملکت‌داری، گرده یونانیان را برداشته و به نیروی التفات سلاطین معدلت گستر، حکما و دانشمندان، مرفه و در اعلی درجه عزت و اعتبارند، آن قدر افضل و دانشمندان در آن کشور به عرصه وجود آمده‌اند که احصای آن عسیر است. و به وجود ذی‌وجود و حسن تدابیر آن دانشمندان با فرهنگ، اساس و مملکت داری آنها نیز منسق و منتظم و بر اکثر ممالک بعیده مانند هندوستان و غیره تسلط یافته اقتداری تمام دارند.^۲

میرزا ابوالحسن خان ایلیچی نیز که در سال ۱۲۲۴ ق/ ۱۸۰۹ م برای مأموریت سیاسی به لندن سفر کرده بود، در بازگشت خود به ایران، در سفرنامه‌ای با عنوان «حیرت‌نامه سفر» آگاهی‌هایی را درباره نوگرایی‌ها و پیشرفت‌های گسترده و روزافزون جوامع غربی به ایرانیان ارائه کرده است. اشاره به پیشرفت‌های علمی، فنی، صنعتی، پزشکی، بهداشتی، حکومت‌دموکراسی پارلمانی و آزادی‌های سیاسی در انگلستان، بخشی از آگاهی‌هایی است که ایلیچی در سفرنامه خود^۳ به خوانندگان ایرانی‌اش ارائه کرد. ایلیچی که بشدت تحت تأثیر اندیشه‌های نو و نوآوری‌های مردم انگلیس قرار گرفته بود، عامل اصلی آن پیشرفت‌ها در جوامع غربی را تشویق و حمایت حکومت‌های غربی از نوآوران و دانشمندان دانسته و با ستایش از آن، نتیجه گرفته و اشاره کرده است که «در این صورت چگونه صاحب‌فکر نشوند در مملکتی که این قسم قدردان دارند.^۴

از دیگر سفرنامه‌های مهم عصر قاجاریه که در آن به غرب پرداخته شده است، «سفرنامه و سیاحتنامه سلطان الواعظین» است. سلطان الواعظین از روحانیون نوگرایی عصر فتحعلی شاه قاجار است که سفرنامه خود را که حاصل خاطرات و مشاهدات او در سال‌ها اقامت در هندوستان و آشنایی و ارتباطات او با بلندپایگان انگلیسی در هندوستان است، در سال ۱۲۳۱ ق/ ۱۸۱۶ م نگاشته است. او نیز آگاهی‌هایی را درباره پیشرفت‌های غرب در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ارائه کرده^۵ و همانند ایلیچی، احترام حکومت‌گران غربی به دانش و دانشمندان و حمایت از آنان را یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت آنان دانسته است. وی در این باره نوشته است: «فرنگان، علما و ارباب کمال هر فرقه را بسیار محترم دارند» زیرا حمایت از آنان را «منشاء نیکنامی و موجب آبادی مملکت می‌دانند.»^۶

سفرنامه «مرآت الاحوال جهان‌نما» نوشته آقااحمد بهبهانی معروف به کرمانشاهی از روحانیون نوگرایی عصر فتحعلی شاه قاجار، یکی دیگر از سفرنامه‌هایی است که حاصل خاطرات و مشاهدات او از سفر به



مهاجرت نخبه‌های ایرانی دوره قاجاری به فراسوی مرزهای کشور و آشنایی با مظاهر متعدد غرب باعث شد که این عده با نگارش رسالات و مکتوباتی شرح مشاهدات خود از این مناطق را به رشته تحریر در بیاورند. مراجعه به این آثار که عمدتاً شامل سفرنامه‌هایی شود بیانگر حالات و روحیات نویسندگانی است که بر داشت خود از اثرات مثبت و منفی فرهنگ غربی را بی‌کم و کاست برای مخاطبان برجای گذاشتند.

■ مریم پروین



به‌رغم دیرینگی مناسبات و روابط ایران و غرب، عصر قاجاریه را می‌توان سرفصل جدیدی در تاریخ تحولات روابط ایران و غرب تلقی کرد. جامعه ایران عصر قاجاریه که وجود حکومت‌های استبدادی مطلقه و عقب‌ماندگی‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و ویژگی مسلط بر آن بود با چهره جدیدی از غرب روبه‌رو شد. پیشرفت‌های روزافزون غرب در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که از جاذبه‌های خیره‌کننده‌ای برخوردار بود از یک سو و خطر سلطه‌طلبی‌های استعمارگری غرب که ایران و ایرانیان را بشدت تهدید می‌کرد از سوی دیگر، دورویه فرهنگ و تمدن غربی مقارن عصر قاجاریه بود. جامعه ایرانی عصر قاجاریه نه می‌توانست چشمان خود را بر واقعیت‌های تمدن و ترقی غرب ببندد و نه می‌توانست از خطر سلطه‌طلبی‌های استعماری غرب آسوده و ایمن باشد. در چنین شرایطی چگونه رویارویی ایرانیان بویژه اندیشه‌گران ایرانی با وجوه مختلف فرهنگ و تمدن غربی از دشواری‌ها و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

بخش مهمی از نخستین آشنایی‌های ایرانیان عصر قاجاریه با غرب سده نوزدهم میلادی از طریق سفرهای خارجی عده‌ای از دیپلمات‌ها، تجار و مهاجران ایرانی به بعضی از کشورهای اروپایی و کشورهای چویند که تحت تأثیر تحولات فکری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی غرب جدید قرار داشتند حاصل گردید. حاصل این آشنایی‌ها چهره خود را در آثار مکتوب سفرنامه‌نویسان ایرانی عصر قاجار نشان داد. سفرنامه‌های «تحفة العالم» نوشته عبدالطیلف موسوی شوشتری؛ «حیرت‌نامه سفر» نوشته میرزا ابوالحسن خان ایلیچی؛ «مرآت الاحوال جهان‌نما» نوشته آقااحمد بهبهانی کرمانشاهی؛ «سفرنامه و سیاحت‌نامه سلطان الواعظین» نوشته سلطان الواعظین؛ «حدائق السیاحه» و «بستان السیاحه» از آثار زین‌العابدین شیروانی و نیز سفرنامه میرزا صالح شیرازی، از جمله مهم‌ترین این سفرنامه‌ها هستند. عبدالطیلف موسوی شوشتری، از نخستین ایرانیان عصر قاجار است که سال‌ها در هندوستان اقامت داشت و با بسیاری از بلندپایگان هندی و انگلیسی آشنایی و ارتباط داشت. وی در کتاب «تحفة العالم» خود که آن را در سال ۱۲۱۶ ق/ ۱۸۰۱ م به نگارش درآورده است، اطلاعات گسترده‌ای را درباره تمدن و ترقی غرب در زمینه‌هایی چون پزشکی، صنایع، اصلاحات مذهبی، اصلاحات در ساختار و نمادهای دادگستری، تفکیک قوا و برابری همه مردم در برابر قانون و حکومت دموکراسی و پارلمان‌تاریسم و آزادی‌های سیاسی در جوامع غربی^۱ ارائه کرده است.

نکته با اهمیت در سفرنامه عبدالطیلف، توجه او به پیوند میان رویه کارشناسی و دانش غرب با رویه استعمارگری غرب است. وی به این نتیجه رسید که استعمار بورژوازی غرب زاینده دانش و کارشناسی